

# کسرها



نمره نود و هشتم / مرداد ماه ۹۷



نکاتی برای ادامه حیات در زمان بی برقی

## اسلب سیتی نزدیک سن دیه گو

**واکنش** همین چند روز پیش بود که اعلام شد مصرف برق در سه دهک بالای درآمدی جامعه بیش از صنایع کشور است اما با این وجود هیچ مکانیزم تنبیهی موثری برای کنترل آن وجود ندارد.

خب ما اینجا با دو نوع مشکل مواجه هستیم؛ یکی نبود مکانیزم تنبیهی مناسب و دومی آن سه دهک پر درآمد که کل کارکرد نیروگاه‌های برق برای آن‌ها می‌شود. خب تا اینجا کار که اصلاً چیزی به من و شما مربوط نیست، خب یکی پول دارد دوست دارد مصرف کند پولش را هم که می‌دهد و آن مکانیزم تنبیهی که اصلاً دوره و زمانه تنبیه گذشته است و حتی اگر کسی را تنبیه کنند اولیایش را می‌آورد و پدر تنبیه کننده را در می‌آورد.

اما از آنجایی که این روزها هوا به شدت گرم است و هی برق می‌رود و می‌آید و اعصاب که هیچ، وسیله برقی سالمی هم برای ما و شما شاید نگذاشته باشد، تصمیم گرفتیم به صورت دوستانه و البته مخلصانه چند نکته را خدمت شما عزیزان متذکر شویم تا شاید کمی کمک حالتان باشد:

### نکته اول:

به خودتان بگویید اینکه آن سه دهک بالایی‌ها چقدر مصرف می‌کنند و بر قشان هم قطع نمی‌شود به ما ربطی ندارد و ما حق نداریم دیگران را قضاوت کنیم، به هر حال باید یک فرقی بین ما معمولی‌ها با لاکچری‌ها باشد یا نه؟ خوب است دیگر پست اینستاگرامی نگذارند؟ خدا را خوش می‌آید؟ راضی می‌شوید؟

### نکته دوم:

اگر نکته اول جواب نداد و فشار گرم تاب و توانتان را برید و دیگر حتی بی‌خیال پست اینستاگرامی و عکس ماشین مدل بالای آن‌ها شدید، در دلتان و به صورتی که بچه مچنه نشوند چند فحش آب دار به آنها بدهید. (شاید موجب وصل شدن برق یا خنک شدن هوا و یا حتی کم مصرف کردن آن عزیزان نشود ولی دلتان خنک می‌شود و با خنک شدن دل، بقیه اعضای بدن هم شروع به خنک شدن می‌کنند. مطلب علمی است و امتحانشان را پس داده است!)

### نکته سوم:

اگر نکات اول و دوم جواب نداد و گرمای هوا با شما به زبان فارسی سخت سخن گفت باید با دوستان خود هماهنگ شوید و زیر پست‌های عزیزان مرفه اقدام به کامنت‌گذاری هوشمند کنید و یکدیگر را نیز تگ کنید، اما سوالی که ممکن است برایتان پیش بیاید که چه نوع کامنت‌های هوشمندی؟ خوب باید بگوییم که برای مثال بروید و از شاعرانه و لاکچری بودن خانه‌ها در صورت کم نور بودن بگویید، مثال هم بیابورید، کافه‌های بالای شهر مثال‌های خوبی هستند. یا چالش تحمل هوای گرم راه بیندازید، که هر کس بیشتر بدون کولر زنده ماند برنده است! این چالش‌ها مو لای در زشان نمی‌رود و حسابی طرفدار جذب می‌کند.

این وسط حتی می‌توانید تبلیغ اکستنشن تهرانی را هم بکنید! درست است که تاثیر در روند کار شما ندارد ولی یک پولی گیرتان می‌آید و این بهتر از هیچی است. همینطور می‌توانید تبلیغ لاغری و برنزه شدن پوست در این هوای مطبوع و داغ تابستانی را بکنید! شاید لاغر نشوند ولی پوستشان می‌سوزد و جزغاله می‌شود و دلتان خنک می‌شود و مابقی قضا یا!

اگر خواستید حتی می‌توانید بگویید به تازگی در فرانسه، کانادا حتی ایتالیا مد شده است که بدون کولر و برق زندگی می‌کنند. حتی بعضی از شهرهای آمریکا مثل «اسلب سیتی» که در نزدیکی «سن دیگو» است را نام ببرید که بخاطر همین مد چند وقتی است برقشان را کلاً قطع کرده‌اند. در کل همه تاشان را بکنید تا بدون خون و خون ریزی مصرفشان را کم کنند.

### نکته چهارم:

اگر همه نکات قبلی جواب نداد دیگر چاره‌ای نیست و باید فکر اساسی کرد. مثلاً یکی دو روز پیش بود که خبر آمد برای هر کس که بمیرد شهرداری یک قبر رایگان می‌دهد. خب زیر زمین هم که خنک است دیگر از جان ما چه می‌خواهید!

### نکته پنجم:

از ما به شما نصیحت کلا بی‌خیال مطالعه از نمایندگان و مسئولان بشوید. آنها برشان گرم توچال و قشقم و کیش و این چیزهای مهمتر است و فو قش بتوانند برایتان تا صبح هم که نه ولی نیم مثقال گریه کنند.



## آبکش به جای اسرائیل!

**گزته** به گزارش روزنامه رسمی رژیم صهیونیستی، دکتر گونن سیگو، وزیر انرژی این رژیم، به جرم ارائه اطلاعات در رابطه با صنعت انرژی، مکان‌های امنیتی و ساختمان‌ها و دفاتر مقامات امنیتی و سیاسی این رژیم به ایران، در زندان است. این روزنامه که همزمان با اصابت موشک‌های حزب‌الله و سوریه به مرکز این کشور، از صهیونیست‌ها خواسته بود نام «گنبد آهنین» را «پنیر ليقوان» بگذارد، در واکنش به انتشار خبر جاسوسی وزیر انرژی‌شان برای ایران (هیچکی هم نه و ایران!) پیش‌نهاد خود را پس گرفت و در مقاله‌ای تأکید کرد که صهیونیست‌ها باید نام خود را به جای «اسرائیل» بگذارند «آبکش». خبرگزاری‌های معتبر دنیا از بررسی این پیشنهاد در کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی)، کنگره آمریکا و مجلس عوام انگلیس به صورت همزمان خبر دادند.

حجاریان: دولت روی پل منتظر یار است

## یار: پشیمانیم!

سوء تفاهم در عاشقیت



شده و همه چیز تمام است ولی زهی خیال باطل! طرف دور روز دیگر می‌زند زیر همه چیز و از اساس قضیه را انکار می‌کند! البته این بخش موضوع ربطی به دولت نداشت و در حیطه مثال حجاریان هم نبود. یک موضوع معلق بود که گفتیم همینجوری!

یکی از عوارض معلق بودن، این است که شخص معلق چیزهای دیگر را هم معلق می‌بیند! مثلاً یک عده آدم نامعلق که پایشان روی زمین سفت است مدام می‌گویند فلان چیز معلق نشده و سر جایش است. اما شخص معلق نمی‌پذیرد در همان حالت پاهایش را توی یک کفش می‌کند (که انصافاً مهارت بالایی لازم دارد) و می‌گوید نخیر، فلان چیز به حالت تعلیق درآمده است.

حالا تازه بدش هم همان آدم‌های جاسفت می‌گویند گیرم که تعلیق شده، به چه درد ما می‌خورد؟ ما می‌خواهیم فلان چیز کلاً حذف شود. ولی باز شخص معلق به همان دلیل که همه چیز را معلق می‌بیند، همه چیز را هم معلق می‌خواهد و در نتیجه می‌گوید: نخیر، فلان چیز معلقش خوب است!

البته این موضوع هم باز ربطی به دولت و مثال پل و یار آقای حجاریان نداشت ولی ما هم انکار داریم تعلیق می‌شویم که حرف‌های معلق می‌زنیم! شاید هم داریم کله معلق می‌زنیم و حرف می‌زنیم! شما زیاد خودتان را ناراحت نکنید، همه این‌ها عوارض گرمای هوا است! گرما دست از سر ما بر نمی‌دارد! از عوارض ناخوشایند گرما، خون رسیدن بیش از حد به مغز است که منجر به فکر و خیال و تراوشات ذهنی معشوش می‌شود. پزشکان از آن با عنوان «بیش‌فعالی مغزی در تابستان» یاد می‌کنند.

ضمناً همان پزشکان توصیه می‌کنند جلوی بیش‌فعال‌ها را بگیرد و بگذارد خودشان را خالی کنند. در همین راستا ما هم به مغز بیش‌فعالمان اجازه دادیم بریزد بیرون و تخلیه شود. نتیجه‌اش این زخعیلات شده که توصیه نمی‌کنیم کسی بخواند مگر اینکه او هم به بیش‌فعالی مغزی مبتلا باشد و بخواهد مغزش را با خواندن مطالب بی‌سر و ته خالی کند!

به این دوستان مطالعه صاحب‌ه‌های فعالان سیاسی، تماشای بازی‌های گفتگوهای مستقیم بعضی از مقامات و گوش دادن مشروح مذاکرات مجلس را هم پیشنهاد می‌کنیم.

**بدرضد** سعید حجاریان اخیراً در مصاحبه‌ای به انتقاد از دولت پرداخت و شرایط دولت را «تعلیق در تعلیق» نامگذاری کرد. وی در توضیح این عبارت گفت: «این وضعیت را با استفاده از یک شعر عربی قدری بیشتر می‌شکافم. ناظم الغزالی در یکی از ترانه‌های خود می‌گوید: «... علی جسر المسیب سیبونی...». این عبارت یعنی آنکه فرد روی پل مسیب معطل مانده است. جالب است بدانید پل مسیب که بر رود دجله بسته شده، معلق است. یعنی فرد بر پل معلق، منتظر یار است اما خبری از او نیست. اکنون دولت روحانی در چنین وضعیتی است.»

ما هم در توضیح توضیح آقای حجاریان یک چیزهایی را بیشتر می‌شکافیم. البته همانند که مصاحبه حجاریان در روز گفتگوی دکتر روحانی با مردم منتشر شد و ایشان با این شکافته‌شان در حقیقت بعضی از بافته‌ها را شکافتند! حالا ما هم شکافته‌های ایشان را می‌شکافیم که جبران شود!

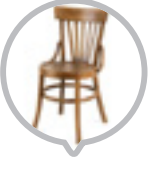
آقای حجاریان گفته‌اند دولت روی پل معلق منتظر یار است. قبل از هر چیز باید ببینیم با یار چه ساعتی قرار گذاشته است؟ شاید دیر آمده و یار رفته است. شاید هم از فرط اشتیاق زود آمده است. البته فرض ما بر این است که دولت وقت‌شناس است و به موقع سر قرار حاضر شده ولی یار دیر کرده است که دلا یل متعدد دارد ولی به آن ورود نمی‌چون قضیه پیش از حد شکافته می‌شود!

احتمال دارد مکان قرار درست هماهنگ نشده باشد و یار الان در یک جای دیگر منتظر ایستاده است. این وضعیت بسیار خطرناک است. ممکن است اغیار مزاحم یار شوند و به فارسی سخت یار را بچاقند! به همین دلیل در چنین شرایطی دولت باید برود دنبال او بگردد و هر چه سریعتر یار خودش را پیدا کند.

بعضی وقت‌ها در عاشقیت و اینجور مسائل سوء تفاهم‌هایی هم به وجود می‌آید. مثلاً طی یک فعل و انفعال شخص تصور می‌کند که با طرف قرار گذاشته است در حالی که کل چیزی که بین آن‌ها رد و بدل شده دو تا لبخند و چند تا جمله معمولی راجع به آب و هوا و قیمت دلار بوده است! این مسئله بسیار شایع است و تا جایی پیش می‌رود که گاهی دیده شده شخص خیالی می‌کند با طرف توافق هم کرده و قرار داد امضا



## از ما گفتن بود تی شرت خانم موگرینی



### تعجب

یک منبع نزدیک به حجت‌الاسلام ناطق نوری با رد مخالفت ایشان با وزارت رحمانی فضلی گفت: حجت‌الاسلام ناطق نوری اصلاً در آن جلسه حضور نداشته است. وی در پاسخ به این سؤال که «کدام جلسه» ابراز بی‌اطلاعی کرد. این منبع نزدیک افزود: در تمام مدتی که بنده به عنوان یک منبع، نزدیک حاج آقا بوده‌ام تا حالا ندیده‌ام که ایشان به آن جور جلسه‌ها بروند.

گفتنی است عبدالله ناصری فعال اصلاح طلب چند روز پیش مدعی شده بود آقای ناطق به اتفاق آقایان هاشمی رفسنجانی، روحانی، رئیس دولت اصلاحات و سید حسن خمینی در جلسه‌ای نسبت به انتخاب رحمانی فضلی تعجب کرده‌اند. در همین رابطه منبع فوق‌الذکر پاسخ داد: اصلاً آقای ناطق نوری اهل تعجب و این‌ها نیست و جناب ناصری برداشت خودش از حالت چهره حاج آقا را بیان کرده است.



### فوتشاپ

هفته پیش روزنامه شرق عکسی از موگرینی روی صفحه اول چاپ کرد. بلافاصله بحث بین کاربران فضای مجازی شروع شد که آیا تی شرت خانم موگرینی فوتشاپ است یا نیست! گرافیک‌ساز شرق در پیامی توضیح داد که در عکس دست نبرده و خانم موگرینی همین لباس را به تن داشته است. با این وجود بعضی‌ها هنوز باور نکرده‌اند و مشغول تحلیل هستند! بحث رسیده به جنس و قیمت تی شرت و الان سؤال اینجاست که مارکش چیست؟!

وزارت خارجه در این رابطه بیانه‌ای صادر کرد که در آن آمده است: «روپا باید در عمل نشان دهد که به پوشش خانم موگرینی پایبند است. آخه روزنامه‌های ما چه گناهی کرده‌اند که مجبورند عکس‌های ایشان را دستکاری کنند و سرکوفت بشنوند؟! همانطور که وزیر محترم خارجه دکتر ظریف تأکید کردند فرصت روپا محدود است و اگر خانم موگرینی خودش را جمع و جور نکند به دادگاه لاهه شکایت می‌کنیم. در این بیانه همچنین آقای احمد مازنی به عنوان نماینده ایران به منظور ارشاد و هدایت مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا معرفی شده است.»

## اوزون برون!

در واقع تیتراژ این مطلب هیچ ارتباطی با محتوای متن ندارد و فقط و فقط بخاطر پرطمطراق بودن آن آورده شده (ما اینیم). حالا شما شاید بگویید خب دردت چی بود که از این کلمه استفاده کردی؟ باید عرض کنم که مثل، مثل جوجه نظام‌چنجی‌های مجازی است. چه جور؟ اینجور که وقتی صفحه پر و فایل طرف را باز می‌کنی می‌بینی نوشته «راه در جهان یکی است و آن راه راستی» و در همین حین که داری اشک شوق را پاک می‌کنی می‌بینی پست گذاشته افطاری دادن به ۳۰۰ هزار فلسطینی توسط کمیته امداد ایران! همینجاست که اشک‌هایت خشک می‌شود و دیوار راستی و صداقت شکاف برمی‌دارد. بنده معتقدم اگر باب اسفنجی هم بود قبل از گذاشتن این پست یک جست و جویی جهت صحت و سقم این مطلب در اینترنت می‌کرد، ولی امان از نادانی!

اما همانطور که در توضیح اولیه گفتیم اصلاً نیازی نیست چیزی که نشان می‌دهند همانی باشد که هستند! همین عزیز اگر از جلوی یک فقیر رد شود کمکی که نمی‌کند هیچ، دوتا لگد هم می‌اندازد که خودت را جمع کن چهره شهر را زشت کردی باووو!?

برانداز هم براندازهای قدیم! قبلاً طرف حداقل دوتا سطل زباله آتش می‌زد، پنج تا شیشه می‌شکاند می‌رفت نان بارویش را می‌خورد. حداقل یک کم آبروداری کنید. بنده یک پیشنهاد به براندازان عزیز دارم، شما در مرحله بعدی بروید مسواک‌ها را آتش بزنید. شاید پیر سید چرا مسواک؟ عرض کنم خدمتان برای اینکه وقتی کارمندان و کارگران در ناهار پیاز خوردند نتوانند مسواک بزنند و از بوی بد دهانشان همه فرار کنند و کارهای کشور بخواهد. اینجور یاست!

سیاست جنگی آمریکا!

